

بخش نخست

منطق و مباحث آن

درس نخست

منطق، ترازوی اندیشه



ابن سینا
۴۲۸-۳۷۰ هـ. ق

علم منطق علم ترازوست و علم‌های
دیگر، علم سود و زیان، و هر دانشی
که به ترازو سنجیده نشود، یقین‌آور
نباشد؛ پس چاره نیست از آموختن علم
منطق.

(ابن سینا، دانشنامه‌ی علایی)

آنچه در این کتاب می‌خوانیم

پیش از آشنایی با علم منطق خود را بیازمایید و به سؤالات زیر پاسخ دهید :

۱ تصور کنید فردی با خواندن آیه «خداوند نور آسمان‌ها و زمین است»، گمان کند که چون «نور با چشم قابل مشاهده است»، خداوند را نیز می‌توان با چشم دید! به نظر شما وی دچار چه اشتباهی شده است؟

۲ فردی می‌گفت: «اگر پرخوری کنم مریض می‌شوم؛ و چون من پرخوری نمی‌کنم، مریض نخواهم شد.» اشکال استدلال وی در چیست؟

۳ آیا کلمه «پروانه» در دو عبارت «پروانه دختر من است» و «پروانه پرواز می‌کند»، به یک معناست؟ اگر کسی از این دو جمله نتیجه بگیرد که «دختر من پرواز می‌کند»، دچار چه خطایی شده است؟

۴ آیا نتیجه‌گیری انجام شده در عبارت مقابل صحیح است؟ «آقای م. الف که دیروز در این دادگاه محاکمه شد؛ حتماً متهم به اختلاس است؛ زیرا همه افراد متهم به اختلاس را در این دادگاه محاکمه کرده‌اند».

۵ سعادت چیست؟ چرا با وجود آنکه همگی انسان‌ها به دنبال سعادت‌اند، راه‌های متفاوتی را در پیش می‌گیرند؟

۶ فرض کنید قیمت انار کیلویی ۸۰۰ تومان باشد. با توجه به تصویر مقابل بگویید فروشنده برای جلب مشتریان از چه نکته‌ای استفاده کرده است.



موارد ذکر شده مثال‌هایی از خطای اندیشه‌اند که در زندگی خود با صدها نمونه از آنها مواجه می‌شویم. در این کتاب با قوانینی آشنا می‌شوید که به کار بستن آنها ما را از خطای فکری بازمی‌دارد.

منطق، ترازوی اندیشه



علمی که در پی جلوگیری از خطای اندیشه است، منطق نام دارد. منطق دانان کوشیده‌اند با بررسی انواع خطاهای ذهن و دسته‌بندی آنها، راه‌های جلوگیری از آنها را نشان دهند. ایشان قواعدی را که باید رعایت کنیم تا دچار خطای فکری یا اصطلاحاً مغالطه^۱ (سفسطه) نشویم، مشخص کرده‌اند.

حکایت



در یونان باستان، استادی که به شاگرد خود شیوه‌های موفقیت در وکالت را آموزش می‌داد، با او قرار گذاشت که حق الزحمه خود را پس از پیروزی در اولین دادگاهی که شاگردش در آن شرکت خواهد کرد، دریافت کند. استاد پس از چند جلسه تدریس، شاگرد خود را به دادگاه برد و از وی شکایت کرد که حق الزحمه وی را نمی‌دهد. استاد مدعی بود که دادگاه یا حق را به جانب وی می‌دهد که در این صورت شاگرد موظف است حق الزحمه او را بپردازد، یا آنکه حق را به جانب شاگرد خواهد داد، که در این صورت بر اساس قراردادی که میان آنها وجود دارد، چون شاگرد در اولین دادگاهی که در

آن شرکت کرده پیروز شده است، موظف است تا حق الزحمه او را بپردازد! بنابراین نتیجه دادگاه هرچه باشد، شاگرد باید حق الزحمه او را فوراً بپردازد.



این داستان نمونه‌ای از یک مغالطه است. به نظر شما استدلال استاد چه اشکالی دارد؟

۱- مغالطه در این کتاب به معنای هرگونه نتیجه‌گیری خطا در اندیشه است که ممکن است عمدی یا غیرعمدی باشد.

شاگرد گفت: «نتیجه دادگاه هرچه باشد، من نباید حق الزحمه استادم را پرداخت کنم؛ زیرا یا دادگاه مرا تبرئه و حکم می‌کند که نباید پولی بپردازم یا مرا محکوم خواهد کرد که در این صورت براساس قراردادی که میان ما وجود دارد، چون در دادگاه پیروز نشده‌ام، نباید پولی بپردازم؛ بنابراین نتیجه دادگاه هرچه باشد، من نباید پولی بپردازم!

🇵🇸 آیا می‌توانید اشکال استدلال شاگرد را مشخص کنید؟

مغالطات همچون بیماری‌هایی هستند که باید از دچار شدن به آنها برحذر بود. از این رو دانستن آنها برای منطق‌دان لازم است تا بتواند با آنها مبارزه کند. همان‌گونه که در علم پزشکی انواع بیماری‌ها و روش‌های پیشگیری و درمان آنها را بیان می‌کنند، در علم منطق نیز به همراه بیان قوانین حاکم بر ذهن، روش‌های جلوگیری از مغالطات را بیان می‌کنند. البته تأکید منطق بر آموزش شیوه درست اندیشیدن است تا از این طریق قادر به تشخیص خطاهای ذهن – که بی‌شمارند – باشیم.

ذهن انسان به صورت طبیعی بر اساس قواعدی می‌اندیشد. منطق‌دانان این قواعد را کشف کرده‌اند و به صورت علم منطق در اختیار ما قرار داده‌اند. گرچه ذهن انسان به طور طبیعی منطقی رفتار می‌کند و بدون دانستن نام‌های این قواعد، آنها را در زندگی خود به کار می‌برد؛ اما ذهن همواره در معرض لغزش قرار دارد و معمولاً در استدلال‌های پیچیده یا تعریف دقیق اصطلاحات خاص، دچار اشتباه می‌شود. به همین دلیل با به کارگیری علم منطق که به دسته‌بندی و توضیح قواعد ذهن می‌پردازد، سریع‌تر و دقیق‌تر می‌توان عوامل لغزش و خطای ذهن را تشخیص داد.

همچنین باید توجه داشت که منطق علمی کاربردی است که تبخّر در آن به تمرین و ممارست نیاز دارد. آموختن منطق مانند آموختن دوچرخه‌سواری است که باید به صورت عملی فراگرفته شود و خواندن دستورالعمل‌های نظری، فرد را تبدیل به دوچرخه‌سواری ماهر نمی‌کند.

توجه به این نکته نیز لازم است که دانش منطق، ابزاری در خدمت سایر علوم و دانش‌هاست. منطق همچون سیستم‌های کنترلی یک خودرو است که میزان بنزین، سرعت

حرکت و گرمای موتور را به ما نشان می‌دهند و در مقابل مشکلات به ما هشدار می‌دهند؛ اما باعث حرکت خودرو نمی‌شوند. بدین جهت منطق را به شاقول بنایی^۱ تشبیه کرده‌اند که به کارگیری آن باعث پدید آمدن بنای فکری مستحکمی می‌شود؛ اما آجرها و مواد لازم برای ساختن این بنا را باید از علوم دیگر تهیه کرد.

حیطه کاربرد منطق

اگرچه دانستن منطق برای فهم فلسفه (که سال آینده با آن آشنا خواهید شد) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ اما باید توجه داشت که دانستن منطق، تنها برای ارزیابی اندیشه‌های فلسفی به کار نمی‌رود؛ بلکه هر یک از ما در سراسر زندگی خود بدان نیازمندیم؛ زیرا می‌خواهیم درست فکر کنیم و درست تصمیم‌گیری کنیم. ما هر روزه مطالبی را برای دوستانمان بیان می‌کنیم؛ برای متقاعد کردن آنان دلیل می‌آوریم و می‌کوشیم تا در تعلیم و تعلم دچار خطا نشویم یا در داد و ستد، فریب کلاهبرداران را نخوریم. امروزه با فراگیر شدن رسانه‌ها و حجم انبوه اطلاعات صحیح و غلط، بیش از پیش نیازمند علمی هستیم که شیوه‌های جلوگیری از خطای اندیشه را به ما آموزش دهد. معمولاً نشریات مختلف در بسیاری از عناوین و مطالب خود، استدلال‌هایی را به نفع عقاید مورد نظرشان مطرح می‌کنند. اغلب آگهی‌های تجاری نیز نوعی استدلال هستند که می‌خواهند مخاطب را به این نتیجه برسانند که «فلان کالا را بخرید!». اینها نمونه‌هایی هستند که برای بررسی درستی و نادرستی آنها به منطق نیازمندیم. بنابراین استدلال‌آوری و تعریف کردن صحیح، اموری نیستند که تنها در محیط تحصیلی، با آنها سر و کار داشته باشیم. این امور بخشی از سخنان روزانه ما را تشکیل می‌دهند.

حکایت

استادی منطق را به شاگردان خود تعلیم داد و از ایشان خواست تا به بازار شهر بروند و ببینند که مردم تا چه اندازه با منطق آشنا هستند و آیا از آن استفاده می‌کنند؟ شاگردان پس از بازگشت گفتند: هیچ‌کس در بازار منطق نمی‌داند، زیرا کسی حتی یک اصطلاح منطقی نیز در بازار به کار نمی‌برد. استاد گفت: پس منطق را به خوبی نیاموخته‌اید!

۱- ابزاری در بنایی که برای تراز کردن دیوار استفاده می‌شود.

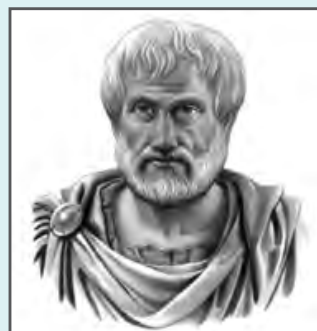
وی بار دیگر مباحث منطقی را به آنها تعلیم داد و مجدداً درخواست خود را تکرار کرد. این بار شاگردان پس از بازگشت گفتند که تمامی مردم به طور طبیعی منطق می‌دانند و بیش و کم از آن استفاده می‌کنند؛ اما از اصطلاحات آن بی‌اطلاع‌اند. استاد گفت: اکنون منطق را به خوبی آموخته‌اید.



شما نیز اگر در پایان سال تحصیلی، احساس کردید که تنها چند اصطلاح جدید حفظ کرده‌اید و موارد کاربرد آنها در زندگی خود را نیافته‌اید، بدانید که منطق را به درستی نیاموخته‌اید.

* منطق و سیر گسترش آن

منطق یکی از قدیمی‌ترین علوم است که امروزه در جدیدترین فناوری‌ها به کار گرفته می‌شود. در یونان قوانین منطق نخستین بار توسط ارسطو، در سدهٔ چهارم پیش از میلاد مسیح گردآوری شد که امروزه به منطق ارسطویی مشهور است. پس از وی آثار فیلسوفان رواقی^۱ باعث توسعهٔ این دانش شد. با ورود این علم به جهان اسلام، ابن‌سینا سهم مهمی در توسعهٔ آن داشت. منطق از ابتدا همواره یکی از ابزارهای ویژهٔ فلسفه بوده است؛ چنان که بخش مهمی از مطالعات فلسفی در شاخه‌هایی همچون فلسفهٔ تحلیلی، فلسفهٔ زبان، فلسفهٔ ریاضی و فلسفهٔ منطق به مباحث منطقی اختصاص دارند.



(ارسطو ۳۲۲-۳۸۴ پیش از میلاد)

امروزه پس از فرگه^۲ منطق و ریاضیات بیش از پیش به یکدیگر نزدیک شده‌اند و منطق ریاضی یکی از شاخه‌های مهم رشتهٔ ریاضی به‌شمار می‌آید. همچنین منطق در فناوری‌های هوشمند کاربرد وسیعی یافته است و مدارهای منطقی، بخش جدایی‌ناپذیری

۱- نام یکی از مکاتب فلسفی در یونان باستان. با این مکتب در کتاب فلسفهٔ سال آینده آشنا می‌شوید.

۲- Frege (منطق‌دان و ریاضی‌دان آلمانی و پدر منطق جدید)



(فرگه ۱۹۲۵-۱۸۴۸ م)

از مهندسی الکترونیک و مهندسی سخت افزار و هوش مصنوعی
گردیده‌اند.

منطق در سایر علوم و دانش‌ها همچون روان‌شناسی، فقه،
حقوق، علوم اجتماعی و ... نیز کاربرد وسیعی دارد.

دو بخش اصلی منطق: تعریف و استدلال

برای آشنایی با دو حیطة اصلی منطق، لازم است به تفاوت تصور و تصدیق توجه کنیم.
بدین منظور به سؤالات زیر پاسخ دهید :

■ آیا می‌دانید تاقدیس^۱ چیست؟

■ آیا می‌دانید سیمرغ و سی مرغ چه هستند و چه تفاوتی با هم دارند؟

ممکن است اکثر شما ندانید تاقدیس چیست؛ اما کم و بیش تصویری از مرغ و سیمرغ دارید.
اکنون سیمرغ را در چند جمله توصیف کنید :
با این کار چند جمله درباره تصور سیمرغ بیان کرده‌اید و اوصافی را به آن نسبت داده‌اید.
براین اساس می‌توانیم دانش بشری را به دو حیطة کلی تقسیم کنیم :

۱- تصور : مانند درک ما از سیمرغ، درخت، مثلث قائم‌الزاویه و مانند آن. در این
حالت به واقعیت داشتن یا نداشتن یا ارتباط آن با سایر امور، کاری نداریم و تنها همان را به
ذهن می‌آوریم.

۲- تصدیق : مانند جملاتی که درباره سیمرغ بیان کردید یا جملاتی چون «درختان در
روز اکسیژن تولید می‌کنند»، «مثلث قائم‌الزاویه سه زاویه مساوی ندارد». همان‌طور که
می‌بینید در تصدیقات، حکم و قضاوت وجود دارد و در آنها اوصافی را به چیزی نسبت
می‌دهیم یا از آن سلب می‌کنیم.

۱- تاقدیس مثالی از یک امر مجهول و ناشناخته برای شما است که با آن در درس جغرافیای پایه دهم آشنا خواهید شد.



از میان موارد زیر تصور و تصدیق را مشخص کنید :

سیمرغ سیمرغ پرنده‌ای افسانه‌ای است. دانا توانا بود هر که دانا بود.
(.....) (.....) (.....) (.....)

اکنون به سؤالات زیر پاسخ دهید :

■ اگر کسی تاکنون میوه دارابی را ندیده باشد و پرسد که «دارابی چیست؟» چه پاسخی به وی می‌دهیم؟
قاعدتاً سعی می‌کنیم به کمک آنچه تاکنون دیده است، دارابی را برای وی توصیف کنیم. مثلاً می‌گوییم: یکی از مرکبات است و از نظر مزه چیزی بین پرتقال و نارنگی است و معمولاً پوستی سبز رنگ دارد و ...

■ اگر کسی تصویری از بلیت الکترونیکی اتوبوس نداشته باشد، چگونه می‌توانیم آن را به وی معرفی کنیم؟
برای این کار نیز از تصورات معلوم وی استفاده می‌کنیم و شیء جدید را برای وی توصیف می‌کنیم؛ مثلاً می‌گوییم بلیت الکترونیکی به جای بلیت‌های کاغذی استفاده می‌شود و چیزی شبیه کارت بانکی است که با قراردادن آن بر روی دستگاهی که در اتوبوس‌ها یا ایستگاه‌های اتوبوس درون شهری نصب شده است، از مبلغی که در آن ذخیره کرده‌اید کم می‌شود، با این کار یک تصور مجهول را به کمک چند تصور معلوم «تعریف» کرده‌ایم.



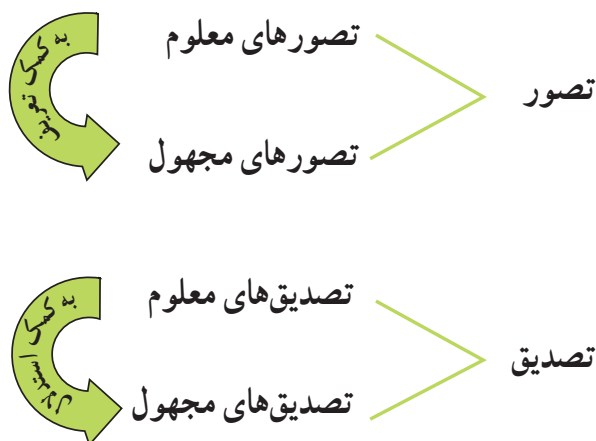
■ اگر به شما که شنا بلد نیستید بگویند: «اگر شنا بلد نباشید، وارد شدن به قسمت پرعمق استخر خطرناک است»، چه نتیجه‌ای می‌گیرید؟

قاعدتاً به این نتیجه می‌رسید که باید در قسمت کم عمق بمانید.

■ اگر کسی نداند که «بلیت‌های الکترونیکی در وقت و هزینه‌ی ما صرفه‌جویی می‌کنند»، چگونه می‌توانیم درستی این جمله را برای وی ثابت کنیم؟

برای این کار از تصدیق‌های معلوم وی استفاده می‌کنیم و از طریق «استدلال^۱»، درستی تصدیق جدید را به او نشان می‌دهیم؛ مثلاً می‌توانیم برای وی مزایای این نوع بلیت را نسبت به بلیت‌های کاغذی برشماریم. با این کار یک تصدیق مجهول را به کمک تصدیق‌های دیگر معلوم ساخته‌ایم.

بنابراین به کمک تعریف، از تصورات معلوم به شناخت تصورات مجهول و به کمک استدلال از تصدیق‌های معلوم به کشف تصدیق‌های مجهول دست می‌یابیم.



از آنجا که وظیفه‌ی منطق جلوگیری از خطای اندیشه است، علم منطق به دو بخش اصلی تقسیم شده است:

- ۱- تعریف؛ که در آن روش صحیح تعریف کردن بیان می‌شود و به ما کمک می‌کند تا از تعریف اشتباه پرهیز کنیم.
- ۲- استدلال؛ که در آن روش صحیح استدلال کردن بیان می‌شود و به ما کمک می‌کند تا از استدلال اشتباه پرهیز نماییم.

۱- دانش‌آموزان در درس ریاضی پایه‌ی نهم با استدلال آشنا شده‌اند.

برای پرداختن به هر یک از این دو مبحث، لازم است مباحثی مقدماتی مطرح شوند. به عنوان مثال پیش از پرداختن به مبحث تعریف لازم است با نکاتی درباره مفاهیم و الفاظ آشنا شویم و پیش از ورود به مبحث استدلال با قضیه و اقسام آن آشنا شویم.

تمرین



- مشخص کنید که کدام یک از موارد زیر تعریف و کدام یک استدلال هستند :
- چون قاشق چوبی گرما را منتقل نمی کند، غذا را با آن هم بزنی دست نمی سوزد. (.....)
- منطق علمی است که از خطای ذهن جلوگیری می کند. (.....)
- معلم ما در کلاس است؛ پس در خانه اش نیست. (.....)
- ترابری یعنی حمل و نقل کالا یا مسافر از جایی به جای دیگر. (.....)

فعالیت تکمیلی



- ۱- جملاتی که با «چیست» پایان می پذیرند و جملاتی که با «چرا» آغاز می شوند با کدام یک از دو مبحث اصلی منطق ارتباط دارند؟
- ۲- از میان موارد زیر تصویرها و تصدیق ها را مشخص کنید :
منطق معیار تفکر است، منطق، تصدیق بخشی از علم است، کوه سهند، ارتفاعات کوه سهند، کوه سهند مرتفع است.
- ۳- اگر ذهن انسان به طور طبیعی بر اساس قواعدی می اندیشد، چه نیازی به خواندن منطق داریم و چرا به صرف خواندن کتاب های منطق از خطای ذهن مصون نمی مانیم؟

بخش دوم

روابط میان ذهن، زبان و خارج

درس دوم

لفظ و معنا

درس سوم

مفهوم و مصداق



خواجه نصیرالدین طوسی
۶۷۲-۵۹۷ هـ. ق

باید دانست که مغالطه به الفاظ
بیشتر از آن باشد که به معانی؛ و اکثر
مغالطات لفظی به اشتراک اسم بود.

(خواجه نصیرالدین طوسی،
اساس الاقتباس)

آنچه در این بخش می‌خوانیم

مشخص کنید که هر یک از عبارات زیر دربارهٔ خود لفظ‌اند یا در مورد امری ذهنی یا امری در جهان خارج :

۱ خواب خوبی دیدم. (.....)

۲ «خواب» چهار حرف دارد. (.....)

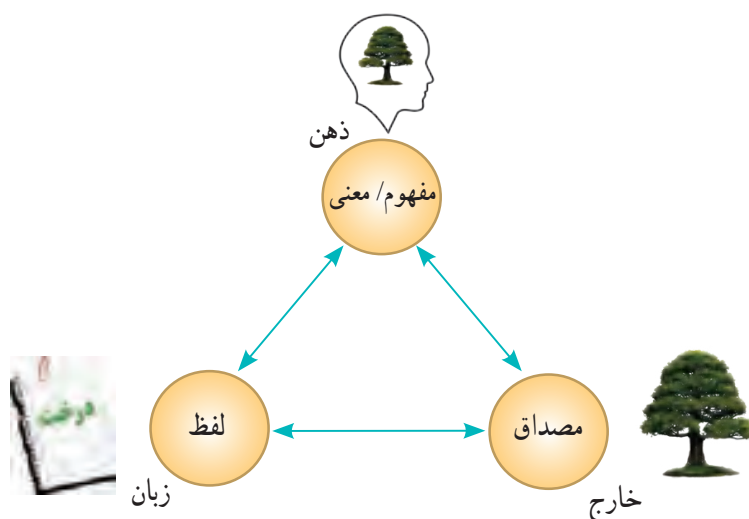
۳ وقتی زنگ زدی، خوابیده بودم. (.....)

با بررسی سه جمله بالا مشاهده می‌کنید که مراد ما از مطالبی که بیان می‌کنیم، گاه مربوط به ذهن است و گاه مربوط به زبان (لفظ) و گاه مربوط به خارج از ذهن.

■ اگر تلفن دوستان را اشتباه حفظ کنید، این خطای ذهنی باعث خطای خارجی خواهد شد.

■ اگر از روی دفترچهٔ تلفن دو فامیل هم‌نام خود را با یکدیگر اشتباه کنید، این خطای ناشی از دو نام مشابه باعث خطای خارجی خواهد شد.

مثال‌های بالا نشان می‌دهند که میان سه حیطهٔ ذهن، زبان و خارج ارتباط وجود دارد و خطا در یکی از آنها می‌تواند باعث خطا در سایر موارد شود.



وظیفهٔ منطق جلوگیری از خطای اندیشه و ذهن است و ذهن با دو حیطهٔ زبان (الفاظ) و جهان خارج ارتباط دارد؛ به همین دلیل در این بخش به دو مبحث : رابطهٔ «لفظ و معنا» (در درس دوم) و رابطهٔ «مفهوم و مصداق» (در درس سوم) می‌پردازیم.

درس دوم لفظ و معنا



برای بیان و انتقال افکار خود به دیگران از الفاظ استفاده می‌کنیم. از آنجا که خطای در الفاظ و معنای آنها می‌تواند باعث خطا در اندیشیدن (تعریف و استدلال) شود، به مبحث الفاظ در منطق توجه خاصی می‌شود. علم منطق وابسته به زبانی خاص نیست و لذا در این بحث وارد قواعد صرفی و نحوی نمی‌شویم؛ بلکه به بررسی اصول کلی‌ای می‌پردازیم که اطلاع از آنها در حیطة زبان (الفاظ)، به ما در جهت جلوگیری از خطای اندیشه‌یاری می‌رسانند.

اشتراک لفظ

به موارد زیر توجه کنید :

■ فردی دو ساعته، پیاده از تهران به مشهد رفت! (مسافرت وی سه هفته طول کشید، ولی همواره دو عدد ساعت به دست خود بسته بود!)

■ روزی راننده‌ای به پیچی رسید؛ خم شد و آن را برداشت!

■ او سیر است. سیر بد بو است؛ پس او بد بو است!

خطاهایی که جملات فوق پدید می‌آورند، ناشی از چه مطلبی در مبحث الفاظ‌اند؟ در هر زبانی، گاه چند معنای متعدد به کمک یک لفظ واحد بیان می‌شوند. مانند لفظ «شیر» که دارای سه معنا در زبان فارسی است. به این کلمات «مشترک لفظی» می‌گویند.

بسیاری از لطیفه‌ها نیز براساس اشتراک لفظ پدید آمده‌اند، به مثال زیر توجه کنید :

■ فردی چند بلوک سیمانی را روی دوشش گذاشته بود و می‌برد. یکی به او گفت : چرا اینها را با فرغون نمی‌بری؟ گفت : دفعه قبل با فرغون بردم، چرخش پشتم را اذیت کرد! چند لطیفه بر اساس اشتراک لفظ بیاید و آنها را در کلاس مطرح کنید :



اشتباه گرفتن کلماتی که ظاهری مشترک دارند، باعث بروز مغالطه «اشتراک لفظ» می‌شود. این مغالطه یکی از شایع‌ترین انواع خطاهای ذهنی است و به تعبیر مولوی: «اشتراک لفظ دائم رهن است».

تمرین



۱- زیر الفاظ مشترک خط بکشید و معانی مختلف آنها را بیان کنید:

■ امشب صدای تیشه از بیستون نیامد شاید به خواب شیرین فرهاد رفته باشد

.....

■ علی کاری است. کاری^۱ غذا را خوشمزه می‌کند؛ پس علی غذا را خوشمزه می‌کند.

.....

۲- معنای واژه‌های زیر را مشخص کنید:

■ شما نمی‌توانید وارد بخش مراقبت‌های ویژه بشوید. نمی‌توانی:

■ چون رانندگی بلد نیستی، نمی‌توانی ماشین را داخل پارکینگ بیاوری. نمی‌توانی:

■ پیر شده‌ای و دیگر نمی‌توانی این سنگ را بلند کنی. نمی‌توانی:

نحوه دلالت ۲ لفظ بر معنا در جملات

لفظ «خانه» در هریک از جمله‌های زیر به چه معنایی به کار رفته است؟

۱ خانه‌ام را فروختم.

۲ خانه‌ام را رنگ کردم.

۳ خانه‌ام را دزد برد.

لفظ خانه در کاربرد نخست بر کل خانه دلالت دارد؛ به این نوع دلالت لفظ بر معنا که مطابق با معنای اصلی لفظ است، «دلالت مطابقی» می‌گویند.

لفظ خانه در کاربرد دوم بر دیوارها و سقف آن دلالت دارد و شامل سایر بخش‌های خانه نمی‌شود. به این نوع از دلالت لفظ بر معنا که متضمن (دربردارنده) بخشی از معنای اصلی لفظ است، «دلالت تضمینی» می‌گویند.

۱- کاری نوعی ادویه است.

۲- دلالت به معنای حکایت‌گری و راهنمایی است. مراد از دلالت یک لفظ بر معنا آن است که ذهن انسان با شنیدن یک لفظ به معنای آن منتقل می‌شود.

لفظ خانه در کاربرد سوم خود تنها بر وسایل خانه دلالت دارد و شامل هیچ بخشی از اجزای تشکیل دهنده ساختمان خانه نمی‌شود. به این نوع از دلالت لفظ بر معنا که بر لازمه یک شیء دلالت می‌کند، «دلالت التزامی» می‌گویند.

تمرین



نوع دلالت لفظ بر معنا را در عبارات زیر تعیین کنید :

- تند ورق زن، کتابم را پاره کردی! (.....)
- فلانی شیر است. (.....)
- کتابم را گم کردم. (.....)
- ماشینم خراب شد. (.....)

به کار بردن دلالت مطابقی، به جای تضمینی و التزامی به خطایی منتهی می‌شود که آن را «مغالطه توسل به معنای ظاهری» می‌نامند. به موارد زیر توجه کنید و بگویید در هریک، بر معنای ظاهری کدام کلمه تأکید شده است :

■ نمونه‌ای تاریخی : محمد شاه قاجار در حرم امام رضا (ع)

قسم یاد کرده بود که هرگز خون وزیر خود قائم مقام
فراهانی را نریزد. لذا هنگامی که تصمیم به کشتن
وی گرفت، دستور داد او را خفه کردند!
■ گفته بودم اگر به رستوران بیایم، پول

غذا را من حساب می‌کنم

که الان حساب

کردم : سه تا کباب

بود و دو تا دوغ و

یک نوشابه، می‌شود

۴۲۵۰۰ تومان؛ اما

نگفته بودم که پول غذا

را من پرداخت می‌کنم!



شیوه نگارش کلمات

معانی را می‌توان به دو صورت کتبی و شفاهی به دیگران منتقل کرد. بنابراین اشتباه در کتابت و نگارش نیز می‌تواند باعث پدید آمدن خطای ذهنی شود. به موارد زیر توجه کنید :

گنجینه پنهان شده، توسط هوشنگ کشف شد.

گنجینه پنهان شده توسط هوشنگ، کشف شد.

او برای بازدید پنج روزه، از اصفهان به شهر ما آمد.

او برای بازدید پنج روزه از اصفهان، به شهر ما آمد.

عدم رعایت دقیق علائم سجاوندی و حرکات کلمات، باعث پدید آمدن «مغالطه نگارشی کلمات» می‌شود. این خطا می‌تواند به جز علائم سجاوندی و حرکات، ناشی از دیکته کلمات نیز باشد؛ مانند :

فردا سفر تمام می‌شود.

فردا صفر تمام می‌شود.

بدین جهت بخشی از کار ویراستاران، بررسی صحت علائم سجاوندی و در صورت نیاز، حرکت‌گذاری برخی از کلمات و نیز اصلاح غلط‌های املائی است.

تمرین



با تغییر علائم سجاوندی، معانی مختلف جملات زیر را مشخص کنید :

■ به نظر علی احمدی دانشجوی خوبی است.

.....

■ یک کنفرانس علمی در مورد حفاری چاه‌های نفت در شهر بوشهر برگزار می‌شود.

.....

■ معنای کلمات زیر را بنویسید :

ارز : عرض : ارض :

مُلک : مَلک : مَلِک :

ابهام در مرجع ضمیر

حکایت زیر را بخوانید و بگویید منشأ خطای پادشاه لیدیه^۱ چه بود؟
پادشاه لیدیه پیش از جنگ با ایران، با کاهن معبد مشورت کرد. کاهن پیشگویی کرد که

«در جنگ لیدیه با ایران
آن پادشاهی قدرتمند
نابود خواهد شد». پادشاه
لیدیه با شنیدن این خبر با
شادمانی به جنگ رفت؛
اما شکست سختی خورد
و نزدیک بود که کشته
شود. وی شکوائیه‌ای
برای کاهن فرستاد. کاهن
پاسخ داد که پیشگویی وی
صحیح بوده است و او با
این کار پادشاهی قدرتمند
لیدیه را نابود ساخته
است!



استفاده از عبارات دو پهلو می‌تواند باعث بروز خطای اندیشه شود. به مثال‌های زیر توجه کنید و سعی کنید دو معنای متفاوت از آنها برداشت کنید:

■ رستم بر اسب نشست، دستی بر سرش کشید و حرکت کرد.

۱-؛ ۲-

■ پلنگ به دنبال آهو بود که شکارچی به طرف آن شلیک کرد.

۱-؛ ۲-

ابهام موجود در جملات بالا که ناشی از مشخص نبودن مرجع ضمیر است، می‌تواند منشأ خطای اندیشه گردد؛ از این رو آن را «مغالطهٔ ابهام در مرجع ضمیر» نامیده‌اند.

۱- نام حکومتی در حدود ۵۰۰ سال پیش از میلاد در کشور ترکیه کنونی



دو پهلوی بودن عبارت‌های زیر را توضیح دهید :

■ فرمانروای ظالمی یکی از مبارزان را دستگیر کرد و با او شرط کرد در صورتی که به فلان شخصیت در ملا عام دشنام دهد، او را آزاد خواهد کرد. مبارز در برابر مردم گفت : ای مردم! فرمانروا از من خواسته است که فلان شخصیت را لعنت کنم، پس لعنت خدا بر او باد!

.....

■ سارا کتاب‌های احمد را به برادرش داد.

.....



۱- در عبارات زیر امکان پدید آمدن چه برداشت‌های متفاوتی وجود دارد؟ توضیح دهید.

الف) خانم پزشکی دیروز به عیادت بیماران آمد.

ب) او گفت که این کتاب من است.

ج) پسر با دیدن پدر خود، گرد و خاک لباسش را تکاند.

د) چون ازو گشتی همه چیز از تو گشت.

هـ) سعید همسایه‌اش را تکریم می‌کند. او فرد متدینی است.

و) عفو لازم نیست اعدامش کنید.

۲- الف) با مراجعه به کتاب علوم و فنون ادبی (۱) کدام یک از اقسام جناس، می‌تواند باعث مغالطه اشتراک لفظ شود.

ب) یک مثال از اشتراک لفظ در ادبیات ذکر کنید که باعث زیبایی کلام شده باشد.

ج) در کنایه و استعاره در ادبیات از دلالت مطابقه استفاده می‌شود یا دلالت التزامی؟

۳- نوع دلالت الفاظ زیر را از میان مطابقه، تضمّن و التزام، مشخص کنید :

الف) او حاتم بخشی می‌کند.

ب) دزد ماشینم را برد.

ج) کفشم را وا کس زدم.

د) خانه خوابم کردی.

۴- نوع مغالطات زیر را تعیین کنید :

الف) چرا تمرین‌ها را حل نمی‌کنی و نشسته‌ای کتاب داستان می‌خوانی؟ چون دبیرمان گفت بروید مطالعه کنید؛ نگفت بروید تمرین حل کنید!

ب) سلمانی با تیغ دور سر فردی را اصلاح می‌کرد که ناگهان تیغ پوست وی را برید. فرد اعتراض کرد که سرم را بریدی. سلمانی گفت : سر بریده که حرف نمی‌زند!

۵- نشان دهید چگونه با تغییر حرکات کلمات زیر معنای آنها تغییر می‌کند :
کشت، شکر، سم، سحر، نشسته.

* دسته‌بندی نمونه‌ها

مثال‌ها و نمونه‌های مرتبط با عناوین مطرح شده در این درس را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱- مواردی که در آنها یکی از انواع مغالطات به کار رفته‌اند.

۲- مواردی که دارای مغالطه نیستند اما مغالطه خیز به شمار می‌آیند و امکان به اشتباه افتادن افراد در آنها وجود دارد.

۳- مواردی که تنها مثال‌هایی از عناوین این درس بوده و مغالطه و مغالطه خیز نیستند؛ مانند بسیاری از موارد کاربرد اشتراک لفظ در ادبیات.

۱- مغالطه اشتراک لفظ : هنگامی که میان یک معنای مطابقی لفظ با معنای مطابقی دیگر آن اشتباه شده باشد؛ به عنوان مثال شیر جنگل (دلالت مطابقی) و شیر خوراکی (دلالت مطابقی) با یکدیگر اشتباه گرفته شده باشند.

۲- مغالطه توسل به معنای ظاهری کلمات : هنگامی که میان معنای مطابقی یک لفظ و معنای تضمنی یا التزامی آن اشتباه شده باشد؛ به عنوان مثال شیر جنگل (دلالت مطابقی) و شیر به معنای شجاعت (دلالت التزامی) با یکدیگر اشتباه گرفته شده باشند.

۳- مغالطه شیوه نگارشی کلمات

۴- مغالطه ابهام در مرجع ضمیر

مغالطات ناشی
از الفاظ